



## زده بودی!

آن شب که ملوکانه به ما زل زده بودی از کاخ گلستان، به فضا پل زده بودی هر چند ترانزیت مواد با خودتان بود جنسی بد و ناخالص و بنجل زده بودی فرم پک و بوز تو چنان بود که گویی با سر به جلونیدی پاترول زده بودی تا اینکه داروی تو سر از طالع بحرین بر قافیه ی "ساقی" تقابل زده بودی بیچاره ندانست که این مجلس ختم است بر تاج عروسیش گلابول زده بودی بر صفحه ی وادادگی و غرب پرستی از روز اول لینک تبادل زده بودی یک سنگ نینداخته بودی سوی دشمن هر چند که همی لاف تقابل زده بودی

در غیرت و مردی زده بر شانه ی خنزیر در هوش و خرد طعنه به اسکول زده بودی آن چند گلی هم که زدی بر سر کشور شک نیست علی رغم تمایل زده بودی گفتی همه افعال نکو فعل تو بوده در باقی افعال، تقابل زده بودی صدبار ز اوضاع خلاق به تو گفتند هر بار خودت را به تقابل زده بودی آنگاه که حرف از گل و بلبل زده بودی

بودند همه لال و خمش مثل بهایم هربار به دروازه ی خود گل زده بودی بر مردم ایران فخر بیشتری داشت در داخل دربار اگر آغل زده بودی!

**آگهی مزایده شرکت رای گستران شرق بازگشت عادل به سفره مردم**  
 حل مشکل بالا رفتن سن ازدواج از طریق بالا بردن سن قانونی به ۳۸ سال در مرحله اول و تثبیت قانون منع ازدواج زیر سن قانونی در مرحله دوم  
 حل کامل و همیشگی مسکن از طریق تجهیز گرمخانه‌های سطح شهر به اینترنت پرسرعت  
 بر تاپ حداقل سه ماهواره به فضای هر هفته ارسال لاقل سه نفر از شهروندان حوزه انتخابیه به کره ماه آوردن حداقل یکی از دو تیم استقلال و پرسپولیس به حوزه انتخابیه برای افزایش شور و نشاط جوانان شهر  
 شرکت رای گستران شرق با مدیریت برادران اندیشمند (کرکاران سابق) با تشکر

## استعفای دسته جمعی تیم تحلیل و بررسی آمریکایی‌ها هر چه تحلیل می‌کنیم، هیچ غلطی نمی‌کنیم!

جناب آقای دونالد جان ترامپ (Be more his esteem) پرزیدنت محترم ایالات متحده آمریکا و حومه با سلام و احترام  
 با توجه به رفتار غیرقابل پیش‌بینی ایرانیان در سال‌های اخیر، بدین وسیله ما اعضای کارگروه تحلیل و آنالیز کنش‌های سیاسی روان‌شناختی مردم ایران تصمیم گرفتیم به‌صورت دست جمعی و یکجا استعفای خود را ارائه داده برویم دنبال زندگی‌مان و شغلی که بتوانیم راحت‌تر نان حرام دربیابیم و به خانه ببریم و بیش از این بیت‌المال شیطان رجیم را هدر ندهیم. همکاران ما در سایر کارگروه‌ها، بی‌خبر از پیچیدگی‌های تحلیل و بررسی مردم ایران، جوری به ما نگاه می‌کنند که انگار خودشان خیلی بارشان است! مثلا همین کارگروه تحلیل و آنالیز کنش‌های سیاسی روان‌شناختی مردم ونزوئلا که خودشان عرضه ندارند یک تحلیلی بکنند که گوایدو رودر رئیس‌جمهور بشود، طوری به ما متک می‌اندازند که انگار جد و آباتشان در عین‌الاسد ضربه‌مغزی نرم شده است!  
 این‌ها نمی‌دانند که ما توی تحلیل زبان این‌ها مانده‌ایم! همان‌ها به‌صورت میدانی بین آن‌ها نفوذ کرده و تحلیلشان کنیم. اما با حجم عظیمی از واژه‌هایی نظیر اسکول، شاسکول، فرمیت، غارقولنگ، و ... مواجه شدیم که بعد از بررسی کلیه لغتنامه‌های موجود و سرچ در گوگل، تنها فهمیدیم کلمه اول نام پرنده ایست که تابستان‌ها غذا جمع می‌کند و زمستان‌ها به منطقه دیگری کوچ می‌کند. بعد از آن کلیه ژورنال‌های پرندشناسی را مطالعه کردیم و اثری از این پرند در هیچ کدام پیدا نکردیم.  
 اما زبان ایرانی‌ها تنها چالش ما نبود بلکه قسمت سخت ماجرا، تغییر ناگهانی رفتار آن‌هاست! مثلا خود حقیر

گفت‌وگوی یک نماینده مردم در میتینگ انتخاباتی  
**نوشابه‌تر سیده‌ها!**  
 - من، وارد صحنه شده‌ام تا برای همه مردم اینجا... شغل ایجاد کنم. طرح‌های اقتصادی من اگر توسط بیگانگان دزدیده نشود تحولی عظیم در کشور ایجاد می‌کند.  
 \* آقا! دوازده سال پیش که برای دوره اول هم همینو می‌گفتین!  
 - فرق می‌کنه آقا جان. اون روز با این روز فرق می‌کنه. ما الان در گام دوم انقلاب هستیم و باید تلاش بیشتری بکنیم.  
 \* قرار بود نامه من رو بزین سر کار خونه داداشتون چی شد؟  
 - ما برای همه اشتغال ایجاد می‌کنیم... راسیاتش نامه شما پشت پرینتر گیر کرد. از اون وقت به بعد نامه‌های خودمون رو هم با دست می‌نویسیم.  
 \* این کمربندی شهرستان چی شد؟ زمین‌هایی که آزاد کردین رو شهرداری داره توش سیتی سنتر می‌زنه.  
 - بنده به پسر کم مهندس پروژه است می‌گم که از بهترین مصالح توش استفاده کنه. کمربندی رو از اون ور می‌زنیم.  
 \* آقا! نمک غذا کنه.  
 - نمکدون بدین به آقا من اینجا هستم تا به شما خدمت کنم.  
 \* پس لطف کنین اون دوغ رو هم بدین.  
 - صد البته. نوشابه نرسیده؟  
 \* نه آقا نرسیده.  
 - داشتیم میگفتم. ما توی کشورمون خیلی معادن و منابع زیادی داریم که ازتون استفاده نمی‌کنیم.  
 \* پله دوستان! من شاهدیم. خودم یکیشو استفاده کردم با کمک دکتر.  
 - شاهد از غیب رسید.  
 \* آقا دخترتون از کانادا برگشتن.  
 - من برم به صله از حامی بکنم و پیام. شما میل بفرمایید.



شرکت رای گستران شرق در نظر دارد در آستانه انتخابات مجلس، تعدادی از وعده‌های انتخاباتی ساخت متخصصان خود را از طریق مزایده به فروش برساند. به پیشنهاد دهندگان بالاترین قیمت علاوه بر مالکیت انحصاری وعده‌های مذکور، بسته ویژه شعارهای انتخاباتی نیز اعطا خواهد شد.  
 بازگرداندن عادل فردوسی پور به سفره‌های مردم دان پاسپورت ایرانی به لیونل مسی، رونالدو، مرحوم کویتی برایات در پاسخ به مهاجرت ورزشکاران از ایران.  
 افزایش نرخ ششادی و نشاط در میان جوانان از طریق برگزاری کنسرت سیار در سطح شهر  
 با تشکر

## آخ... مملکت!

شاهنشاهی بین چه شده شاخ، مملکت با رفتنت شده ست چه گستاخ مملکت  
 از گربه ای ملوس و زبان باز و سر به زیر حالا شده ست قلدر و گولاخ مملکت  
 هر لحظه از گذشته ی خود دور می‌شود با سرعتی معادل صد ماخ مملکت  
 از آن همه ترانه و موسیقی اصل آورده رو به بتپوون و باخ مملکت  
 اوضاع این زمین گهرخیز را ببین با شهر موشکی شده سوراخ مملکت  
 هر کس که برد سهمش از این سفره را گرفت با دوستان تو شده سرشاخ مملکت  
 گویم از هجوم درختان به شهرها هر سال بعد رفتن تو: «آخ... مملکت!»  
 رفتی و حیف در چمدان تو جا نبود جا مانده است لای در کاخ، مملکت



از کشف اخیر دانشمندان چه می‌دانید؟  
**بولتون‌نیم**  
 دانشمندان اخیراً موفق به شناسایی و کشف نوعی بیماری موسوم به بولتون‌نیم شده‌اند. بولتون‌نیم به آن دسته از اختلالات روانی اطلاق می‌شود که در آن فرد هرساله وعده براندازی انقلاب اسلامی ایران را می‌دهد و منتظر براندازی ست اما با برگزاری جشن سالگرد پیروزی انقلاب ایران در هرسال، دچار انزوا گشته، به اتاق خود می‌رود، در را می‌بندد و به کارهای زشت خویش فکر می‌کند. این چرخه به‌صورت هرساله در بیمار تکرار می‌شود.

این در حالی ست که دانشمندان تاکنون موفق به درمان این بیماری نشده‌اند و معتقدند این بیماری تا زمان مرگ با بیمار همراه است و درمانی ندارد. اگرچه آمار دقیقی از میزان مبتلایان به این بیماری در دسترس نیست اما بیشترین تعداد مبتلایان در حال حاضر در کمیی در آلبانی موسوم به کمپ تیرانا نگهداری می‌شوند.  
 این بیماری در چهل‌ویک سال گذشته قربانیان زیادی داشته است و پیش‌بینی می‌شود تا کمتر از بیست‌وپنج سال آینده شمار قربانیان آن چند برابر شود. همان‌گونه که ذکر شد تا امروز درمانی برای این بیماری کشف نشده است اما عده‌ای از محققان معتقدند یادگیری شنا در مدیترانه، تا حدی می‌تواند به قربانی کمک کند.

**دستاوردهای ما را انکار نکنید!**  
 با این که رژیم پهلوی به دست بعضی‌ها که به بازم بعضی‌ها به آن می‌گویند مردم سرنگون، نابود و اصلاً محو شد اما دستاوردهایی داشت که همین بعضی‌ها می‌خواهند آن را انکار کنند یا می‌خواهند بگویند کار خودمان است نه کار خودشان!  
 یکی از دستاوردهای مهم و کلیدی عدالت و برابری میان مرد و زن بود. یعنی پوشش مرد و زن باید یکی باشد و مردها به خاطر اینکه این همه سال آزاد بودند و زن‌ها آزاد نبودند باید مدتی کلاه می‌گذاشتند تا عدالت برقرار شود و حداقل جگر پاره‌پاره شده‌ی زنان ملت کمی جلا یابد و خنک شود. دستاورد دیگر این رژیم مهندسی ژنتیک بود به‌طوری که مردم بحرین با اینکه بعضی‌ها مرد بودند برای آزمایش و برای پیشرفت میهن زن شدنشان تغییر ژنتیکی به حدی خوب و دقیق انجام شد که بحرین کلاً شوهر داده شد.  
 دیگر دستاورد که از نوع پزشکی بود مربوط به دکتر احمدی بود. که کسانی را که زیاد درد داشتند با آمپول هوا می‌زد تا با این کار آخر عمری هم کمتر درد بکشد و هم هوایی خورده باشد. همیشه دعای باقی‌ماندگان مرحومان هم برای دکتر دعا می‌کردند چون نگذاشتند زیاد درد بکشد.  
 دستاورد دیگر مانور سلاواک بود این مانور فقط می‌خواست به آن‌هایی که در آن‌ور آب برای خودشان سازمان سیا و موساد ... زده‌اند بگویند زکی و نگذار کسی در خانه‌اش که حتی اگر کسی نبود جرئت نکند به شاه بگوید دماغش بزرگ است.

## سلب‌ریتی

یک روز با رفیقیم، با خودروی اجازه رفتیم هم سیاحت، هم گردش و نظاره دیدم شلوغ جایی، از مرد و زن لبالب جایی شبیه آنچه، پخشیده ماهواره یک عده گرم سلفی، با تیپ‌های جلفی بر سر کلاه شاپو، قدی چنان مناره  
 هم تیپ‌ها عجیب و هم، چه چهره‌ها غریب و با جین پاره بودند، بر پورشه‌ها سواره  
 جمعیتی جملق، توی فضا معلق یک عده هم به هر گوش، پنجاه گوشواره  
 مانند جنس بنجل، با هیبت ابوالهول بر دوششان چنان جل، تی شرت پاره پاره  
 لبریز حب ایران، زاینده‌گان آلمان در شک و در تقاضی، کردند استخاره  
 یک عده با سیبل و، یک عده بی سیبل و یک عده همچو نیچه، پر رمز و استعاره  
 این قاشمش، هیولا، آن پپ گواردیولا آن دیگری موکابه از مرکز هراره  
 آن یک شبیه جانی، عینک ته استکانی با هیبت شبانی، گوید منم ستاره  
 این یک به پاش تنبان، خندان و ریش جنیان با گیسوی پریشان، بدتیپ و بدقواره  
 کت رفته توی شلوار، بر لب نشسته سیگار در جستجوی اسکار، گز کرده او هماره  
 صدها هزار رنگ و، جمعیتی مشنگ و پر ادعا و پر حرف، در اصل هیچ کاره  
 صورت چنان گلایی، دارد مش شرابی حس کرده که شده است، مامروی و ماهواره  
 یک عده چون پرنسس، هستند نقل مجلس لیلاد کتی، آزیئا، فرنوش، رزه بهاره  
 گفتیم: "کی اند اینها؟" گفتا: "سلب‌ریتی‌ها"  
 گفتیم: "کجاست اینجا؟" فرمود: "جشنواره"

**ضمیمه طنز راه‌راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی**

سرمدیز: امین صالحی  
 دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی  
 دبیر سرویس کارتون: کامران باری  
 دبیر فنی: مهدی نظری  
 صفحه‌ار: عبدا... رفتگار

**راه‌های ارتباطی**  
 رای‌نامه: info@rahrahtanz.ir  
 سروش: tanzym\_ir  
 اینستا: tanzym\_ir  
 بله: tanzym\_ir

**افشاشگری از آخرین توطئه‌های رژیم گزارش زنده از سیل و سانددیس**

مجرى: هم‌وطنان عزیز در مورد راهپیمایی ۲۲ بهمن ایران داریم صحبت می‌کنیم. کتی و شهروز برای ارائه گزارش زنده پشت خط هستن  
 کتی  
 + علو صدای منو دارین؟ من از روی برج میلاد دارم تماس می‌گیرم.  
 من شاهد یه سیل خروشان هستم که داره به سمت تهران میاد و کلی آدم با خودش آورده  
 مجری: سیل؟  
 +بله متأسفانه سیاه تا الان با حضورش در مناطق سیل‌زده کلی آب و گل‌ولای جمع کرده تا در این روز با هدایت آب به سمت تهران شوی سیاسی راه بندازه. الان تعداد زیادی از اقوام ایرانی رو می‌بینم که با وعده ساخت خونه هاشون با چهره‌های فریب‌خورده روی موج سیل سوران و دارن میان تهران.  
 مجری: خدایا! پس امسال به جای اتوبوس از سیل استفاده



هدیه‌ی سال نو!